



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۲

مصادف با: ۲۵ جمادی الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۱۰۶

موضوع کلی: وضع

موضوع جزئی: وضع مرکبات

سال: چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

وضع مرکبات:

بحث در وضع مرکبات است، عرض کردیم مهم‌ترین نکته در این بحث تنقیح محل نزاع است، اینکه مثبتین و نافیین وضع مرکبات چه چیزی را اثبات و چه چیزی را نفی می‌کنند خیلی مهم است، این بحث در کلمات بزرگانی مثل صاحب فصول، محقق خراسانی و شاگردان ایشان مطرح شده و نوعاً هم وضع مرکبات را انکار کرده‌اند و گفته‌اند ما وضعی برای مرکبات نداریم اما در بعضی از کلمات این اثبات شده، مهم در این مقام این است که صورت این مسئله منقح شود، بر این اساس تقریرات مختلفی از محل نزاع شده است.

تنقیح محل نزاع:

اگر به خاطر داشته باشید در قسم سوم از اقسام وضع یعنی، وضع عام و موضوع‌له خاص، عرض کردیم در مورد مثال‌ها و مصادیق این قسم اختلاف شده، مشهور مواردی را از جمله حروف، هیئات جمل تامه یا جمل ناقصه یا مرکبات را به عنوان مصادیق قسم سوم وضع ذکر کردند، بحث از وضع هیئات تحت عنوان مرکبات مطرح شد که گفتیم مرکبات بر دو قسم تامه و ناقصه می‌باشند. آنجا اثبات شد هیئات دارای وضع هستند، مرکبات تامه اعم از مرکب تام خبری و انشائی دارای وضع است و به موضوع‌له جمل تامه خبری و انشائی و جمل ناقصه مثل مضاف و مضاف‌الیه و صفت و موصوف اشاره کردیم، آنجا ما بعد از اینکه معانی هیئات یا به عبارت دیگر جمل و به عبارت سوم مرکبات تامه و ناقصه را ذکر کردیم گفتیم وضع هیئات یا مرکبات اعم از تام و ناقص از قبیل وضع عام و موضوع‌له خاص است پس مشهور وضع مرکبات را در قسم سوم وضع پذیرفته‌اند پس این مسئله که تحت عنوان وضع مرکبات مستقلاً مطرح می‌شود و غالباً هم منکر وضع برای مرکبات هستند چیست؟ معلوم می‌شود اینجا منظور چیز دیگری است. نباید تصور شود ما قبلاً در مورد وضع مرکبات تامه و ناقصه بحث کردیم و گفتیم مرکبات تامه و ناقصه وضع دارند و وضع آنها از قبیل وضع عام و موضوع‌له خاص است و چون اصل وضع مرکبات تام و ناقص را ما قبول کردیم لذا نیازی به بحث دوباره از وضع مرکبات نیست، چون بحث از مرکبات در قسم سوم وضع، همان بحث از هیئات است، ما از هیئت جمله اسمیه بحث کردیم و گفتیم بحث از هیئت جملات فعلیه بعداً خواهد آمد، در مورد هیئت جمل انشائیه هم به معنا و موضوع‌له جمل انشائیه‌ای که در عقود و ایقاعات مورد استفاده قرار می‌گیرند اشاره کردیم اما جمل انشائیه‌ای که در باب امر و نهی مورد استفاده قرار می‌گیرند را به باب اوامر و نواهی احاله دادیم. پس آنچه ما در قسم

سوم وضع به آن اشاره کردیم بحث از مرکبات به معنای هیئات بود که در اصل وضع آن مرکبات بحث نبود بلکه بحث در کیفیت وضع آنها بود که مرحوم آخوند فرمود: وضع در آنها عام و موضوع له هم عام است ولی مشهور معتقد بودند وضع در آنها عام لکن موضوع له خاص است اما اینجا که بحث از وضع مرکبات مطرح می‌شود نزاع در اصل وضع است که آیا برای مرکبات وضعی هست یا نه لذا معلوم می‌شود مرکباتی که در اینجا به بحث درباره آن می‌پردازیم چیزی غیر از هیئات است که سابقاً به بحث درباره آن پرداختیم.

آراء و انظار در تنقیح محل نزاع:

از مجموع کلمات بزرگان بدست می‌آید که چند احتمال در محل نزاع و هم چنین در مورد مراد قائل به وضع مرکبات وجود دارد. به این منظور لازم است ابتدا کلمات بزرگان را مرور کنیم:

نظر مشهور:

مشهور (صاحب فصول^۱، محقق خراسانی^۲ و محقق عراقی^۳) معتقدند از یک جهت مرکبات به معنای هیئات که قبلاً بحث آن گذشت خودش از اقسام وضع مفردات است یعنی در مفردات تارةً بحث در الفاظ موضوع است و اخری در هیئات موضوع، در مثل جمله «زید قائم» خود «زید» یک مفرد و از اعلام شخصیه است که وضع مستقلی دارد، «قائم» دارای دو وضع است؛ یک وضع به لحاظ ماده آن است و یک وضع به لحاظ هیئت آن، وضع ماده قائم به عنوان وضع یک مفرد مورد نظر است، وضع هیئت قائم هم به عنوان وضع مفرد مورد نظر است، علاوه بر این سه وضع، هیئت جمله خبریه «زید قائم» هم دارای یک وضع مستقل است لذا هیئت جمله اسمیه هم به عنوان یکی از اقسام وضع مفردات است پس ما در اینجا در واقع چهار وضع داریم؛ وضع «زید» که وضع مفرد است، وضع هیئت «قائم» که این هم مفرد است، وضع ماده «قائم» که این هم مفرد است و وضع هیئت جمله اسمیه که این هم وضع مفرد است. آنچه ما در گذشته در بحث از هیئت مرکبات تامه از آن بحث کردیم وضع هیئت جمله اسمیه بود که از مفردات است اما آنچه در این مقام به عنوان وضع مرکبات از آن بحث می‌شود این است که آیا علاوه بر آن مفردات وضع دیگری برای این مجموع داریم یا نه؟ یعنی مفردات به دو نحو مورد لحاظ قرار می‌گیرند؛ یکی مفردات در حالی که مستقل از یکدیگرند، دیگری مفردات در حالی که منضم به یکدیگرند، وضع مفردات به صورت مستقل سابقاً مورد بحث قرار گرفت، آنچه که اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد که آیا مرکبات وضع دارند یا نه منظور این است که آیا مجموع این مواد و هیئات در حالی که به یکدیگر ضمیمه شده‌اند داری وضع مستقلی هستند یا نه؟ و آیا واضع علاوه بر آنچه در مفردات وضع کرده اعم از ماده و هیئت وضع دیگری برای مجموع این مواد و هیئات در حالی که به هم ضمیمه شده‌اند، دارد یا نه؟ یعنی آیا مجموع «زید قائم» علاوه بر آنچه که واضع برای مفردات آن به نحو مستقل وضع کرده، هم وضع مستقلی دارد یا نه؟ این تقریری است که مشهور از محل نزاع ارائه داده‌اند.

۱. الفصول الغروية، ص ۲۸.

۲. كفاية الاصول، ج ۱، ص ۲۴.

۳. نهاية الافكار، ج ۱، ص ۶۵.

اگر ما محل نزاع را این گونه تقریر کنیم این بحثی ندارد و روشن است که واضع چنین وضعی که به مجموع مواد و هیئات در حالی که به هم ضمیمه شده باشند تعلق گرفته باشد، ندارد. چند دلیل بر این مطلب ارائه شده که در ادامه به آنها اشاره خواهیم کرد.

۲- کلام محقق اصفهانی (ره):

ایشان می‌فرماید: آنچه از کلمات بعضی از نافین از نحوین استفاده می‌شود محل نزاع چیزی است که بدیهی البطلان است و این اصلاً نمی‌تواند محل نزاع باشد بلکه محل نزاع چیز دیگری است، ایشان می‌فرماید: آنچه از کلام ابن مالک استفاده می‌شود که محل نزاع می‌باشد، یک نزاع لفظی است که به جهت اسناد لفظ به مرکبات پدید آمده لذا آنها گمان کرده‌اند هیئت ترکیبیه که معنایی را افاده می‌کند از انحاء هیئات مفردات است لذا وضع جداگانه‌ای ندارد و وضع آن همان وضع مفرد است و گفته‌اند ما در مرکبات وضع نداریم و آنچه هست توسط همان مفردات افاده می‌شود، یعنی وقتی هیئت جمله اسمیه دارای وضع است که در آن هیئت جایگاه مبتداء و خبر معلوم است و در آن مقام این دو به هم ضمیمه شده‌اند، خود همین هیئت جمله اسمیه همین معنی را افاده می‌کند، اگر قرار شد همین معنی توسط همان هیئت که به عنوان وضع مفرد در نظر گرفته می‌شود افاده شود دلیلی ندارد که برای مجموع آنها در حالی که منضم به یکدیگر باشند وضع جداگانه‌ای داشته باشیم. از کلمات ابن مالک بدست می‌آید که ایشان محل نزاع را این قرار داده در حالی که نزاع این نیست، ایشان می‌فرماید: شکی نیست که مرکبات غیر از مواد مفرداتشان ماده جداگانه‌ای ندارند و تنها چیزی که در مرکبات وجود دارد این است که یک هیئت زائده‌ای بر هیئات مفرداتشان دارند چون هیئات مفردات بما هی مفردات به تقدیم و تأخیر تفاوتی نمی‌کند، مثلاً هیئت «قائم» چه مبتداء قرار گیرد و چه خبر، تفاوتی نمی‌کند و تفاوتی در معنای «قائم» ایجاد نمی‌شود در حالی که تقدیم و تأخیر موجب تفاوت در هیئت مجموع بما هو مجموع است، مثلاً اگر «قائم» مقدم یا مؤخر شود موجب تفاوت‌هایی در معنای هیئت می‌شود، بر این اساس ایشان می‌فرماید: من گمان نمی‌کنم که کسی که مدعی وضع برای مرکبات است و معتقد است واضع برای مجموع بما هو مجموع هم وضع دارد چیزی بیش از این را ادعا کند که هیئات علاوه بر مفردات که ماده و هیئت وضع دارند، وضع جداگانه‌ای دارند آن هم به جهت بعضی مزایا و فوایدی است که بر وضع هیئات به این نحو مترتب می‌شود یعنی در هیئات فواید و مزایایی وجود دارد که جز با وضع محقق نمی‌شود.^۱

طبق تقریری که محقق اصفهانی از محل نزاع می‌کند همان گونه که خود ایشان اشاره کرده، این نزاع، نزاع لفظی نیست لذا نتیجه‌ای که ایشان در این بحث به آن ملتزم می‌شود این است که حق با مثبت است یعنی می‌گویند مرکبات وضع دارند، کثیری از بزرگان از جمله صاحب فصول، مرحوم آخوند و شاگردان ایشان به تبع ابن مالک معتقدند مرکبات دارای وضع نیستند، پس محقق اصفهانی معتقد است مرکبات وضع دارند لکن مرحوم آخوند، محقق عراقی و دیگران می‌گویند مرکبات وضع ندارند، حال سؤال این است که آیا این اثبات و نفی به یک مسئله تعلق گرفته یعنی همان چیزی که این سه بزرگوار نفی می‌کنند مورد

۱. نهاية الدراية، ج ۱، ص ۷۵ و ۷۶.

قبول محقق اصفهانی قرار گرفته است؟ ظاهر کلمات محقق اصفهانی این نیست، ایشان می‌گویند ما نمی‌توانیم بگوییم علاوه بر وضع مفردات که وضع هیئات هم از آنها محسوب می‌شود بگوییم وضعی به نام وضع مجموع وجود دارد و بر این اساس کلام محقق اصفهانی را حمل کنیم بر اینکه اثبات در کلام ایشان متوجه همین معنی و همین مسئله است، محقق اصفهانی می‌گوید آنچه را ابن مالک بر آن دلیل اقامه کرده و به انکار وضع در مرکبات پرداخته چیزی است که بدیهی البطلان است و روشن است که وضع ندارد لذا مدعی است طبق بیان ابن مالک از نزاع و دلیلی که ایشان اقامه کرده این نزاع، لفظی است. پس به نظر محقق اصفهانی نزاع چیست؟ اینکه ایشان بر خلاف نافین وضع در مرکبات، قائل به وجود وضع مرکبات شده منظورشان چیست؟ سخن ایشان درباره این بود که آیا هیئت زائده‌ای بر هیئات مفردات وضع دارد یا نه؟ ایشان می‌گویند این هیئت زائده بر هیئات مفردات دارای وضع است به خاطر فوائد و مزایایی که در آن وجود دارد. به نظر ایشان در دیدگاه کسانی که وضع مرکبات را نفی کرده‌اند هیئت ترکیبیه که یک معنایی را افاده می‌کند از انحاء هیئات مفردات است لذا نتیجه گرفته‌اند ما در مرکبات وضع نداریم و هر چه هست توسط مفردات افاده می‌شود.

پس محقق اصفهانی می‌گوید مرکبات از نظر ماده غیر از مواد مفرداتشان مواد جداگانه‌ای ندارند ولی از نظر هیئت، هیئت جداگانه دارند یعنی کأن این هیئات وضع خاصی دارند مثلاً تقدیم و تأخیرها در معنی تفاوت ایجاد می‌کند مثلاً تقدیم ما حقه التأخیر که یک هیئت است افاده حصر می‌کند، ایشان می‌گویند ما بدون وضع نمی‌توانیم این فائده را که مفید حصر می‌باشد استفاده کنیم و قطعاً به این معنی، مرکبات دارای وضع هستند. ممکن است کسی بگوید تقدیم ما حقه التأخیر و امثال آن ربطی به وضع ندارد بلکه یک قاعده عقلانی است که مردم در محاورات، از آن استفاده حصر می‌کنند.

پس به طور کلی به نظر محقق اصفهانی مراد قائل به وضع مرکبات همین هیئات زائده در مرکب نسبت به هیئت مفردات است که دارای وضع است چون معتقد است مرکب ماده ندارد و ما در مورد مرکبات نمی‌توانیم بگوییم مرکب یک ماده هم دارد و مجموع این ماده و هیئت برای فلان چیز وضع شده‌اند لذا ایشان می‌گویند مرکبات غیر از مواد مفرداتشان ماده جداگانه ندارند، پس همه چیز در مورد مرکبات به هیئت ختم می‌شود و منظور از وضع در مرکبات هم این است که یک هیئت زائده بر هیئت مفردات داریم.

بحث جلسه آینده: نظر امام (ره) و اشکال ایشان به محقق اصفهانی (ره) را در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»